

عاشق





استان قدس رضوی  
مدرسه تالیفات اسلامی

عنوان: خطبه فدکیه

به سفارش: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر: روزنه شرق

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۸۰۰۰

نوبت چاپ: نهم، ۱۳۹۷

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام و

صحن غدیر، پلاک ۱۸۳، مدیریت فرهنگی، صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷



FADAKIYEH  
BENAVAZ

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

و صحن غدیر، مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

و صحن غدیر، مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

و صحن غدیر، مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

و صحن غدیر، مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

و صحن غدیر، مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

و صحن غدیر، مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

و صحن غدیر، مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

مدرسه تالیفات و نشرات آستان قدس رضوی، پلاک ۱۸۳، ضلع غربی، بین باب‌الهادی علیه السلام

## پیش درآمد

### برترین

خدا، فاطمه اش نامید، چرا که کسی را یاری شناسایی اش نبود. حقیقت لیلہ القدرش خواند، که سینه اش گنجینه ی اسرار بود.

مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ (ع) حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ  
إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا<sup>۱</sup>

هر که حقیقت حضرت فاطمه (ع) را بشناسد،

حقیقت شب قدر را درک کرده‌است.

او «فاطمه» نامیده‌شد، زیرا خلاق، راهی به معرفت او ندارند. پیامبر (ص)، حوراء الإنسیّه اش نام نهاد، که لطافتش به فرشتگان مانند بود و در کالبد دنیا انسان می نمود. دستش را بوسه می زد، که به دست او حیات، جاری بود. شمیم روح افزایش را می بویید که عطر او، لطافت بود.

هِيَ بَصْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ تَمْرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ  
رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ<sup>۲</sup>

۲ - فرمایش پیامبر اکرم (ص) به نقل از أمالی صدوق، ص ۱۱۳

۱ - فرمایش امام صادق (ع) به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵

حضرت زهرا علیها السلام ، زهرا نامیده شد، زیرا چهره اش هر روز سه بار برای امیرالمؤمنین علیه السلام، نورافشانی می کرد.

آری، هم اوست که امّ ابیهاست؛ هم اوست که حجت خدا بر حجت های خداست؛ هم اوست که الگوی نیکوی امام عصر و زمان علیه السلام است. او همان کسی است که غضب او غضب خدا و خشنودی اش خشنوی خداست. او همان کسی است که پاکی و عصمتش را «آیه ی تطهیر» شهادت می دهد و رفعت و برتری اش را «آیه ی مودت» گواه است. دنیا برای او خرد و کوچک است، که نورش بر

دخترم فاطمه، پاره ی تن من است. او روشنی چشم من؛ میوه ی قلب من؛ و روح میان دو پهلوی من است. او حوریه ای از جنس انسان است. امیرمؤمنان علیه السلام، تکیه گاهش نام گذارد، که پایه و رکن هستی بود. زهرایش می خواند که آفتاب وجودش هر روز برای امیرالمؤمنین علیه السلام، پرتو می افکند.

سُمِّيتِ الزَّهْرَاءُ علیها السلام زَهْرَاءَ... لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ<sup>۲</sup>



## مظلوم ترین

لیکن چه نیک حقّ او را ادا نمودند! با رحلت رسول خدا، کینه توزان، آتش خشم خود را آشکار کردند؛ و خفّاش صفتان، پرتو نورش را برنافتند. سفلگانی از عرب، دَد منشانه حقّش را غصب نمودند؛ به خانه اش یورش بردند؛ بر در خانه اش شراره‌ی آتش ریختند؛ و پهلویش را شکستند؛ امام زمانش، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به بند ستم بستند؛ جامه‌ی امامت را غاصبانه ربودند؛ و بزرگ‌ترین مصیبتِ جاودانه‌ی تاریخ را رقم زدند.

حَدِيقِ

FADAKIYH  
SE 1973-4

تارک عرش می درخشد و کنیزکانش، فرشتگان آسمان اند. هدیه‌ی خدا به او از دنیای پست، باغ بزرگی است به نام فدک. «آیه‌ی ذی القربی» سند فدک؛ و رسول خدا کسی است که آن را به دست محبوبه‌ی خدا رسانده است. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و أم ایمن، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر آن شهادت دادند:

خدا بر پیامبر، این آیه را نازل نمود: (فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ). (به صاحب خویشاوندی، حقّش را عطا کن.) پس از آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه بخشید.<sup>۴</sup>

او اما، به دفاع از امام زمان خویش برخاست. به مسجد رفت و خطابه‌ای جاودانه ایراد کرد. بانگ آتشین او، در سراسر تاریخ طنین افکن شد.

کلام نافذ او، بر هر دلی نشست و هر خردمندی را به پرسش واداشت: «چرا حق زهرا علیها السلام را ظالمانه ربودند؟! چرا بر همسرش ستم کردند؟! مگر او از قُربی نبود؟! مگر آیه ی مودّت درباره ی او نازل نشده بود؟!»

هرکه آن روز در مسجد، فریاد خشم او را بر غاصبان شنید، به این اندیشه رفت که: «مگر او همان کسی نیست که اگر بر کسی غضب

کند، خدا بر او غضب می کند؟! پس بدا بر حال غاصبان امامت! بدا بر حال غاصبان فدک!» هر که پیامبر صلی الله علیه و آله را می شناخت می دانست که فاطمه علیها السلام تنها یادگار اوست.

پس بی درنگ از خود می پرسید: «آیا با تنها یادگار رسول خدا، چنین بی رحمانه برخورد می کنند؟! آیا سینه اش را می شکنند؟! آیا محسنش را شهید می کنند؟! آری؛ این گونه است که فاطمه علیها السلام جداگر حق از باطل؛ خطابه اش رسواگر غاصبان ستم پیشه؛ و قبر مخفی اش سند همیشگی در اثبات مظلومیت اوست.



– مدارک اهل سنت برای روایت پیامبر اکرم ﷺ  
«خداوند از غضب فاطمه (علیها السلام)، غضب می کند.»

المعجم الكبير طبرانی، ج ۱، ص ۸۹؛ المستدرک علی الصحیحین،  
ج ۶، ص ۲۵؛ فضائل الخلفاء، ج ۱، ص ۲۵۱؛ تاریخ مدینه دمشق،  
ج ۳، ص ۱۵۶؛ المعجم موصلی، ج ۱، ص ۲۳۳ و ...

– مدارک اهل سنت برای حمله و آتش زدن  
خانه حضرت زهرا (علیها السلام) و شهادت حضرت  
محسن (علیه السلام)

المصنف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۵۷۲؛ الإستیعاب، ج ۳، ص ۹۷۵؛  
الإمامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳؛  
مروج الذهب، ج ۳، ص ۷۷؛ تاریخ ابی الفداء، ج ۱، ص ۱۵۶؛  
العقد الفرید، ج ۳، ص ۶۴؛ أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۶۸؛ فضائل  
الصحابه، ج ۱، ص ۳۶۴؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۶؛ الملل  
و التحل، ج ۱، ص ۵۷؛ الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۵ و ...





## – مدارک اهل سنت برای غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر و عمر

صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۰؛ الطبقات  
الکبری، ج ۲، ص ۳۱۵؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۲، پاورقی ص ۱۲۱؛  
شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۴؛ الإمامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۰  
و ...

## مقدمه

### عناوین خطبه حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام در خطابه‌ی خویش،  
به موضوعات گوناگونی اشاره می‌فرمایند. این  
خطابه که آموزه‌هایی بلند در ساحت عقیده و  
عمل را در برگرفته است؛ چشمه‌ساری است که  
تشنه‌گان معرفت و ره‌پویان حقیقت را در ابعاد  
معارف و احکام، سیراب می‌سازد. حضرت زهرا  
علیها السلام در ابتدا، به بیان نکاتی درباره‌ی «خداشناسی»



پرداختند؛ به نعمت های الهی اشاره نمودند؛ و صفات خداوند را برشمردند. سپس ویژگی های بی نظیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان کردند و با یادآوری عظمت مقام ایشان، درس هایی از «پیامبرشناسی» مطرح نمودند.

پس از این آموزه های «قرآن شناسی» را مطرح کرده و پیرامون بزرگی و عظمت قرآن سخن گفتند و جایگاه مهم آن را در باورداشت اسلامی، یادآور شدند. در ادامه سخنان خود، به دسته ای از «احکام» اشاره نمودند و آثار و نتایج هر یک را بیان کردند.

آن حضرت در بخش بعد، به «معرفی خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» پرداختند و رابطه ی خویش را با ایشان یادآور شدند. پس از آن به «توصیف دوران جاهلیت» پرداخته و تاریکی های آن دوران پست را به مسلمانان گوش زد و نعمت اسلام را به آنان یادآوری نمودند.

در ادامه، سخن را به «معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام» رسانده و فداکاری های ایشان را در راه گسترش اسلام، خاطر نشان شدند.

آن بانوی یگانه در این بخش، پیرامون موضوع اصلی سخن گفته و از ظلم و



ستمی که غاصبان بی داد پیشه در «غصب امامت» روا داشته‌اند، شکوه نمودند. امامت و خلافت را حقّ امیرالمؤمنین علیه السلام خواندند و اقدام غاصبان را به تندی محکوم کردند.

سپس موضوع «غصب فدک» را بیان کردند و ابوبکر و عمر را در ساختن حدیث دروغین «ما انبیا از خود ارثی به جا نمی گذاریم»، رسوا نمودند.

ایشان با استدلال به آیات قرآن، ادعای واهی آنان را باطل کردند و فرمودند:

«چگونه ممکن است پدرم چنین سخنی گفته باشد، در حالی که در قرآن به ارث انبیای الهی اشاره شده است؟! آیا پدرم بر خلاف قرآن عمل می کند؟!»  
در بخش بعد رو به انصار کرده و از سکوت آنان شکایت نمودند.

سپس، با بیان این که «شما به دنیاخواهی و تن آسایی رو کرده‌اید.» آنها را به مقابله با ستم کاران و غاصبان فراخواندند و ضمن «شکایت از سکوت انصار»، آنان را از عواقب این کار هراساندند.



ساخت. این بار، آن حضرت با کلامی خشم آلود، «هشدار به مسلمانان» را فریاد کردند و آنان را از آتش غضب خدا بیم دادند و در پایان، برای «درد دل با پیامبر ﷺ» رو به مزار پدر خویش کردند و اشعاری جانسوز را به ایشان خطاب نمودند.



در میانه ی مجلس، خلیفه ی غاصب، که مخاطب اصلی این فریاد تند حضرت زهرا علیها السلام بود، برخاست و فریبکارانه، از سر سازش و نرمش در آمد.

«استناد ابوبکر به حدیث دروغین در پاسخ به حضرت زهرا علیها السلام خالی از استدلال بود؛ از همین رو، «حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ به ابوبکر»، با نکوهش سخت او، آیات قرآن را برای باردیگر یادآور شدند.

خلیفه ی غاصب برای بار دیگر برخاست و در «پاسخ دوم خود به حضرت زهرا علیها السلام با ردّ اتهام از خویش، گناه این کار را متوجه مردم

## ویژگی های خطبه حضرت زهرا (علیها السلام)

یگانه بانوی هستی چنان شورآفرین و پرشعور سخن فرمود، که عقل و خرد را از خردمندی کلامش به حیرت می افکند و احساس و عاطفه را از شور عواطفش به لرزه می اندازد. هر که بدین کلام گوش فرادهد و اندک تأملی در فصاحت و بلاغتش نماید؛ یا به مضامین آن بنگرد و در معانی آن لختی دقیق شود، بی درنگ، سخن گوی آن را شخصیتی فرابشری می خواند؛ که این گونه سخن، از بشر - آن سان که

ما می شناسیم - ناممکن است.

دانشوران شیعی در آثار خود، این خطابه ی بی نظیر را با عناوینی سترگ، ستوده اند. رفعت و عظمت این کلام، هر بینند ای را چنان مبهوت خویش می کند که بی اختیار لب به تمجید و ستایش می گشاید. علی بن عیسی اربلی در کتاب کشف الغمه می نویسد:

«خطابه ی حضرت زهرا (علیها السلام)، از نیکوترین و شگفت ترین خطبه هاست. نور نبوت بر آن پرتو افکنده و شمیم رسالت بر رایحه ی آن اثر نموده است. این خطابه، سخنی است که مخالف و موافق آن



را روایت کرده اند.» مرحوم علامه ی مجلسی در کتاب گران قدر بحار الأنوار می نویسد: «خطابه ی حضرت زهرا علیها السلام، خطابه ای بلند و رساست که عقل فصیحان و بلیغان، از فصاحت و بلاغت آن به شگفتی و اعجاب آمده است.»

علامه سید شرف الدین در کتاب المراجعات می نویسد: «حضرت زهرا علیها السلام خطابه ای دارند که مشتمل بر احتجاج است. خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام همان گونه که فرزندان خود را به حفظ قرآن تشویق می کردند، همیشه آن ها را به حفظ خطبه ی حضرت

## خطبه

صدیقه علیها السلام نیز وا می داشتند.» دانشمند فرزانه مرحوم سید کاظم قزوینی در کتاب فاطمه الزهراء علیها السلام می نویسد:

«خطابه ی حضرت زهرا علیها السلام معجزه ی جاودانه ی ایشان است. این خطبه، آیتی درخشنده است و بر بُعدی سترگ از بینش و فرهنگ دینی حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.

در این خطابه، فصاحت و بلاغت، بیان شیرین و گوارا، منطق رسا، قدرت استدلال و استواری برهان، به هم آمیخته است.»

## متن خطبه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)

متن خطابه‌ی گرانسنگ حضرت زهرا (علیها السلام) دانشوران شیعه و سنی را به اندیشه واداشته است. حدیث نگاران، تاریخ نویسان، متکلمان و اندیشه ورزان، متن آن را نقل کرده اند و دسته‌ای پیرامون آن سخن رانده و تألیفاتی به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. دو دانشمند بلندپایه‌ی اهل سنت، به نام‌های ابوالفرج اصفهانی و احمدبن عبدالواحد ابن عبدون، هریک به طور مستقل، تألیفاتی درباره‌ی این خطابه از خود به جا گذاشته اند. در

ادامه، اسامی تعدادی از دانشوران اهل سنت را که به نقل متن خطابه پرداخته اند ذکر می‌کنیم:

۱. احمد بن ابی طاهر ابن طیفور در کتاب بلاغات النساء
۲. ابوبکر احمدبن عبدالعزیز جوهری در کتاب السقیفه
۳. ابوالطیب محمد بن إسحاق الوشاء در کتاب الفاضل فی صفه الأدب الکامل
۴. ابوبکر احمدبن موسی بن مردویه در کتاب مناقب
۵. محمدبن حسن بن حمدون در کتاب التذکره الحمدونیّه



۶. مجدالدین مبارک معروف به ابن‌أثیر در کتاب منال

الطالب فی شرح طوال الغرائب

۷. یوسف بن فرغلی معروف به سبط بن جوزی در کتاب

تذکره الخواص

۸. محمدبن‌أحمد باعونی دمشقی در جواهرالمطالب فی

مناقب الإمام علی بن‌أبی‌طالب

از آن رو که کلام حضرت زهرا علیها السلام سندی روشن

در اثبات مظلومیّت امیرمؤمنان و حضرت زهرا علیها السلام

است، دانشمندان شیعی بیش از دیگران به واکاوی

و پژوهندگی پیرامون این خطابه اهتمام ورزیده

اند. اسامی تعدادی از این بزرگان بدین شرح است:

۱. شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع

۲. شیخ مفید در کتاب أمالی

۳. سید مرتضی در کتاب الشافی فی الإمامه

۴. شیخ طوسی در کتاب تلخیص الشافی

۵. محمدبن جریر طبری در کتاب دلائل الإمامه

۶. ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل‌أبی‌طالب

۷. شیخ طبرسی در کتاب الإحتجاج

۸. ابوسعید منصوربن حسین آبی در کتاب نثر الدر

۹. ابومحمد المنصور الیمینی در کتاب أنوار الیقین

۱۰. جمال‌الدین یوسف بن حاتم شامی در کتاب الدرّ النّظیم

۱۱. کمال‌الدین میثم‌بن‌علی بن‌میثم در کتاب شرح نهج‌البلاغه

۱۲. محدث بحرانی در کتاب الدرّ النجفیّه





## ترجمه‌ی خطبه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)

تاکنون ترجمه‌های متعددی از خطابه‌ی گران قدر حضرت زهرا (علیها السلام)، ارائه شده است. هریک از این ترجمه‌ها، از ویژگی‌هایی چون دقت یا روانی برخوردار است.

به رغم همه‌ی تلاش‌های صورت گرفته، احساس می‌شود که زبان ترجمه‌ها، از زبان فارسی معیار، فاصله دارد. از همین رو، بر آن شدیم تا ترجمه‌ای روان تر ارائه دهیم.

ترجمه‌ای که تطابق معنایی را حفظ کند و در

آن چه در دست دارید، متن خطابه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)، به نقل از روایت کتاب شریف الإحتجاج، در جلد ۱، صفحه‌ی ۹۷ تا ۱۰۷ است. دانشمند بزرگ، شیخ طبرسی این روایت را با سند صحیح، از امام حسن مجتبی (علیه السلام) نقل نموده است؛ ما نیز همان متن را بدون هیچ‌گونه تغییر و تلفیق، ارائه کرده‌ایم.



عین حال به زبان عموم مخاطبان، نزدیک باشد؛ آن چنان که خواننده با آن احساس بیگانگی نکند و خود را با آن کلام دل نشین، نزدیک ببیند. لازم است برای آشنایی بیشتر با ترجمه، نکات زیر را یادآوری نماییم:

- در ارائه ی این ترجمه، از ترجمه های موجود بهره گرفته ایم. بر خود ضروری می دانیم که از این محققان و نویسندگان محترم، سپاسگزاری کنیم.  
- در ترجمه ی آیات، از تلاش های مترجمان

محترم قرآن، استفاده نموده ایم. از اساتید محترم ترجمه ی قرآن، سپاس و تشکر داریم. - به منظور دستیابی به دقت بیشتر، در برخورد با بعضی از واژه ها به کتاب های مشهور لغت، مراجعه کردیم.

- برای رفع ابهام و دستیابی به منظور کلام حضرت زهرا (علیها السلام)، در بعضی موارد به روایات معصومین (علیهم السلام) مراجعه نمودیم.

- پس از این همه، از آن رو که متن کلام، از قاعده ی اجمال و ظهور و نص، استثناء نیست؛ در برخورد با کلام مجمل یا دارای ظهور خاص،



به یک معنی اکتفا نمودیم.

به منظور معرفی سبک ترجمه، باید یادآوری کنیم؛

از آن رو که اهتمام نخستین ما، روانی ترجمه بود، معنای برداشت شده از متن عربی را به زبان فارسی معیار برگردانیم؛ هرچند تلاش می کردیم که در معنای سخن، کم و کاست یا تغییر و انحرافی صورت نگیرد.

بنابراین امیدواریم محققان محترم که از زاویه ی «ترجمه ی لغت به لغت» می نگرند، به این سبک ترجمه توجه نمایند؛ که هدف، رساندن مراد و

منظور خطابه حضرت زهرا علیها السلام بوده است؛ البته با حفظ امانت.

به آن امید که این ترجمه، بیش از پیش به کام خوانندگان، شیرین بنشیند.

این تلاش ناچیز، که بضاعت مزجاش هم نمی توان نامید؛ تقدیم به آستان آسمانی مولانا الحجه، صاحب الزمان صلوات الله علیه. به آن امید که بر چهره ی غم زده اش، گل لبخند نشانند.

گروه ترجمه



ابوبکر و عمر با یکدیگر هم دست  
شدند تا غاصبانه باغ‌های فدک  
را از حضرت زهرا علیها السلام بگیرند. با  
شنیدن این خبر حضرت زهرا علیها السلام  
(برای ایراد سخنرانی و دفاع از  
حقشان) وارد مسجد شدند.



لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَذَكَ،  
وَ بَلَغَهَا ذَلِكَ، لَأَثَّتْ حِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اشْتَمَلَتْ  
بِحِلْبَانِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لُمَّةٍ مِنْ حَفْدَتِهَا وَ نَسَاءِ قَوْمِهَا؛  
تَطَأُ ذُيُولَهَا. مَا تَخْرِمُ مَشِيئَتَهَا مَشِيئَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،  
حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ، وَ هُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ  
الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ غَيْرِهِمْ.



ابوبکر و عمر با یکدیگر هم دست شدند تا غاصبانه  
باغ های فدک را از حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بگیرند. با  
شنیدن این خبر، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ مَقْنَعِی خود را  
به سر کردند و چادرشان را پوشیدند؛ سپس در میان  
گروهی از بانوان که همگی از بستگان و خویشان آن  
حضرت بودند، به طرف مسجد به راه افتادند.  
چادر آن حضرت آن قدر بلند بود که هنگام  
حرکت، سراپایشان را پوشانده بود. راه رفتن ایشان  
مانند راه رفتن پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود. حضرت زهرا  
عَلَيْهَا السَّلَامُ وارد مسجد شدند. ابوبکر در میان عده ای از  
مهاجران و انصار نشسته بود.

فَنِيَطَتْ دُونَهَا مَلَأَةً، فَجَلَسَتْ. ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ  
الْقَوْمُ لَهَا بِالْبُكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَمَهَلَتْ هُنَيْئَةً  
حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيْجُ الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ فُؤُوسَهُمْ.  
اِفْتَتَحَتِ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى  
رَسُولِ اللَّهِ، فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بُكَائِهِمْ فَأَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ  
فِي كَلَامِهَا، فَقَالَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

میان مردم و آن حضرت پرده ای آویختند و ایشان  
پشت پرده نشستند. سپس حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام ناله ای  
سوزناک سردادند. باناله ای آن حضرت، همه ی  
مردم گریستند و مجلس به جوش و خروش افتاد.  
حضرت مدّتی صبر کردند تا صدای گریه ی مردم  
آرام گرفت و ضجه هایشان ساکت شد.  
در این هنگام، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام سخنان خود را  
با حمد و ستایش خدای متعال و سلام و درود  
بر پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آغاز نمودند. مردم بار دیگر،  
گریستند. وقتی صدای گریه ی مردم ساکت شد،  
آن حضرت به سخنان خود ادامه دادند و فرمودند:

خطبات

## ﴿۱﴾ خداشناسی ﴿﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أُنْعَمُ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَلْهَمَ،  
وَ التَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُجُومٍ نِعْمًا ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغِ  
آلَاءِ أَسْدَاهَا، وَ تَمَامِ مَبْنِ أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ  
عَدَدُهَا،

خدا را به خاطر همه ی نعمت هایش، سپاس و ستایش می‌کنم؛ و برای آن چه آموخته، شکر و سپاس می‌گویم. او نعمت‌های متنوعی را عطا کرده؛ و بخشش های فراوانی را ارزانی داشته؛ و نعمت های کاملی را لطف نموده است. او را به خاطر همه ی این‌ها، که پیشاپیش به بندگان بخشیده، ستایش می‌کنم. نعمت‌های او بی‌شمار است.



حضرت زهرا علیها السلام سخنانشان را با  
حمد و ثنای الهی آغاز کردند و  
فرمودند: انسان از درک نعمت‌های  
بی‌انتهای خدا عاجز است. خداوند  
مردم را به شکرگزاری دعوت کرده  
است تا نعمتهایشان زیاد گردد.





وَأَنْتَ عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَتَفَاوَتْ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا،  
وَ نَدَبُهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى  
الْحُلَايِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ تَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا. وَ أَشْهَدُ  
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةٌ جَعَلَ  
الْإِحْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا.

هرگز نمی‌توان نعمت‌های خدا را جبران نمود.  
انسان از درک نعمت‌های بی‌انتهای خدا عاجز است.  
خداوند مردم را به شکرگزاری دعوت کرده است؛ تا  
نعمت‌هایشان زیاد گردد و پی‌درپی به آن‌ها عطا شود.  
خدا از آن‌ها خواسته است، به خاطر نعمت‌های بزرگ  
و فراوانش، او را سپاس و ستایش کنند؛ و بندگان  
نعمت‌های دیگری از او طلب کنند، تا او نیز آن‌ها را  
دوچندان کند. شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا  
نیست. او یکتاست و شریکی ندارد. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»  
سخنی است که درون مایه و نتیجه‌اش اخلاص است.  
خداوند دل‌ها را به یگانه‌پرستی پیوند داده است.



خداوند فکر انسان را برای درک یکتایی‌اش روشن نموده است. چشم‌ها از مشاهده‌ی او ناتوان‌اند؛ زبان‌ها از توصیف او بازمانده‌اند و وهم و خیال از درک چگونگی‌اش عاجز‌اند. خداوند همه‌ی آفریدگان را پدید آورد؛ ولی آن‌ها را از چیزی که قبلاً وجود داشته باشد، نیافرید. او آن‌ها را آفرید بدون این که از الگو و نمونه‌ای پیروی کند. خداوند، با قدرت خود به آفریدگانش هستی بخشید و با اراده‌ی خود آن‌ها را خلق نمود. او هرگز به آفرینش آنان محتاج نبود و شکل دادن آن‌ها، هیچ سودی برایش نداشت.



وَ أَنْزَلَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ  
رُؤْيَيْتُهُ، وَ مِنَ الْأَلْسِنِ صِفَتُهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.  
ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا  
بِلَا احْتِدَاءٍ أَمْثَلَةً امْتَثَلَهَا. كَوَّنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَهَا  
بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةٍ  
لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا

خدا با آفرینش خود تنها می‌خواست حکمتش را ثابت کند و به مخلوقاتش فهماند که باید از او اطاعت کنند.

او تنها می‌خواست قدرتش را آشکار نماید؛ بندگان را به پرستش خود وادارد و با عزت و اقتدار، آفریدگانش را به بندگی خود دعوت کند. سپس او برای اطاعتش پاداش و ثواب قرار داد و برای نافرمانی اش کیفر و عذاب مشخص کرد؛ تا بندگان را از عذاب خود دور کند و به بهشت خود تشویق نماید.

إِلَّا تَثْبِيثاً لِحُكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيهاً عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَاراً  
لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعْبُداً لِبِرِّيَّتِهِ، وَ إِعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ. ثُمَّ جَعَلَ  
الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ،  
ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَ حَيَاةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.



پدرم محمد ﷺ با چراغ هدایت،  
در میان مردم به پا خاست؛ و  
آنان را از گمراهی نجات داد و  
به دل‌های تاریکشان، بصیرت و  
بینایی بخشید و آنان را به دین  
استوار هدایت کرد.



## ﴿ ۲ ﴾ پیامبر شناسی ﴿﴾

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَيْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَ  
اِتْتَجِبَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ،  
وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ. إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ  
مَكْنُونَةٌ، وَ بِسِرِّ الْأَهْوَالِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ  
الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ.

شهادت می‌دهم که پدرم، محمد ﷺ، بنده و  
فرستاده‌ی خداست. خدا او را پیش از آن که  
به سوی مردم بفرستد، انتخاب نمود؛ و پیش از  
انتخاب، او را برتری داد و نام‌گذاری کرد. خداوند  
پیش از بعثت پیامبر، او را برگزید. گزینش او در  
آن هنگامی بود که همه‌ی آفریدگان در پرده‌ی  
غیب، پنهان بودند. در آن زمان، همه چیز در  
پوشش‌هایی از جنس ترس و بیم محافظت می  
شد و در نهایت نیستی و عدم بود.



عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَنَائِلِ الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ  
الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ. ابْتَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى  
إِثْمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِفْئَادًا  
لِمَقَادِيرِ حُثْمِهِ. فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى  
نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا.



خداوند به نتیجه‌ی همه‌ی کارها آگاه است؛ او  
حوادث روزگار را می‌داند.

او می‌داند، هر واقعه‌ای در چه زمانی اتفاق می‌افتد؛  
به همین خاطر خدای متعال، پیامبرش را مبعوث  
کرد تا دستور خود را به دست او کامل کند و  
فرمانش را قطعی نماید و تقدیراتش را به اجرا  
درآورد. مردم را می‌دید که چگونه فرقه فرقه  
شده‌اند؛ هر کدامشان دینی برای خود برگزیده‌اند؛  
و به آتشی که به دست خود برافروخته‌اند،  
رو کرده‌اند. بت‌ها را می‌پرستند و با این‌که خدا را  
می‌شناسند، انکارش می‌کنند.

در چنین شرایطی بود که خداوند، تیرگی‌هایشان را به وجود پدرم، محمد ﷺ، روشن نمود و نادانی را از دل‌هایشان زدود؛ پرده‌های ظلمت را از برابر چشمانشان کنار زد و دیدگانشان را روشنی بخشید. پدرم، محمد ﷺ، با چراغ هدایت، در میان مردم به پا خاست؛ و آنان را از گمراهی نجات داد و به دل‌های تاریکشان، بصیرت و بینایی بخشید. آنان را به دین استوار هدایت کرد. به راه راست دعوت نمود.



فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلْمَتَهَا،  
وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ  
غُمَّهَا، وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ،  
وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ  
دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.

ما، اهل بیت، پیشوای حقّ  
خداوند در میان شما هستیم؛ خدا  
ما را به عنوان عهد و پیمان خود،  
به شما هدیه داده است. خداوند  
ما را به عنوان جانشین خود، در  
میان شما قرار داده است.





سپس خداوند از سر مهر و رأفت، او را قبض روح کرد؛ و برای ملاقات خود برگزید. خداوند به دیدارش مشتاق بود و آخرت را برایش ترجیح می‌داد. اکنون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از رنج و سختی‌های این دنیا آسوده است؛ و فرشتگان نیکوی خدا، او را دربرگرفته‌اند. او از رضایت خداوند بخشاینده، بهره‌مند است و در مجاورت آن فرمان‌روای مقتدر، جای دارد. درود خداوند بر پدرم، که پیامبر اوست. او امانت‌دار امانت‌های الهی است. خدا او را از میان بندگان برگزیده است. سلام و رحمت و برکات خدا، بر او باد.



ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ  
إِيْتَارٍ؛ فَمَحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ،  
قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ  
مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ. صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ  
وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ  
اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

در این هنگام، حضرت زهرا (علیها السلام) حاضران مجلس را خطاب کردند و فرمودند:

ای بندگان خدا! شما مخاطب امر و نهی خداوند هستید. دین خدا و آن چه بر پیامبرش وحی شده، پیش شماست. خدا آن را به عنوان امانت، نزد شما قرار داده است؛ و شما باید که باید آن را برای خود نگه دارید و به دیگران برسانید. ما، اهل بیت، پیشوای حق خداوند در میان شما هستیم؛ خدا ما را به عنوان عهد و پیمان خود، به شما هدیه داده است.

### ﴿۳﴾ قرآن شناسی ﴿۳﴾

ثُمَّ التَفَتَتْ (عَلَيْهَا) إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَقَالَتْ:  
أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ! نُصِبَ أَمْرُهُ وَنَهْيُهُ، وَحَمَلُهُ دِينَهُ وَ  
وَحْيِهِ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبُلْعَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ،  
وَ (نَحْنُ) زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ، وَ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ.



خداوند ما را به عنوان جانشین خود، در میان شما قرار داده است. کتاب خدا همراه ماست. قرآن، کتاب گویای الهی می باشد، که به درستی و راستی سخن می گوید. این قرآن، نوری تابنده و پرتوی روشن گر است. کتاب خدا به روشنی، مایه‌ی بینش و بصیرت مردم است. قرآن کتابی است که رازهایش آشکار شده و ظاهر آن، جلوه گر است. پیروان این کتاب، مورد رشک و حسرت دیگران‌اند. هر که از قرآن پیروی کند، به بهشت راهنمایی می شود و هر که به آیات آن دل بسپارد، به نجات و رستگاری می رسد.



و بَقِيَّةُ اسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُمْ، (وَمَعَنَا) كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ،  
وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ،  
بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيةٌ ظَوَاهِرُهُ،  
مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، فَأَيْدٍ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى  
النَّجَاةِ إِسْتِمَاعُهُ

کتاب خدا همراه ماست. به وسیلهٔ  
قرآن می‌توان به حجّت‌های  
روشن خدا دست پیدا کرد.  
خداوند در کتاب خود، واجبات  
را برای مردم بیان کرده و آنان  
را از گناهان باز داشته است.



به وسیله‌ی قرآن می‌توان به حجت‌های روشن خدا دست پیدا کرد. خداوند در کتاب خود، واجبات را برای مردم بیان کرده و آنان را از گناهان بازداشته است. با قرآن می‌توان به نشانه‌های نمایان خدا رسید و به برهان‌های خداوند که مردم را از هرچیز دیگری بی‌نیاز می‌کند، دست یافت. مردم به فضیلت‌های الهی دعوت شده‌اند، و با کمک قرآن می‌توانند به آن‌ها برسند. کتاب خدا، راه رسیدن به دین آسان اوست؛ همان دینی که هدیه‌ی او به مردم است. احکام و دستوره‌های او، با قرآن قابل دستیابی است.



بِهِ تُنَالُ مُجِجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ وَعَزَائِمُهُ الْمَفْسَرَةُ  
وَمَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَبَرَاهِينُهُ  
الْكَافِيَّةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُحَصُهُ الْمُؤَهُّوبَةُ،  
وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ

#### ﴿۴﴾ احکام الهی ﴿﴾

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ  
تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءً  
فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِحْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَثْبِيثاً  
لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ،  
وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ

خداوند، ایمان را برای پاک شدن از شرک؛ و نماز را برای دور نگه داشتن شما از تکبر واجب نموده است. او شما را به زکات دستور داده تا از آلودگی‌ها پاک شوید و روزیتان زیاد گردد؛ و به روزه فرمان داده تا اخلاص در دل هایتان ثابت شود. حج را برای تقویت پایه‌های دین، و عدالت را برای نظم و همدلیتان، واجب نموده است. خداوند برای سامان یافتن جامعه، پیروی از ما اهل بیت را بر همه واجب کرده و برای در امان ماندن از تفرقه، ما را امام مردم قرار داده است. او جهاد را وسیله‌ی عزت و سربلندی اسلام گذارده است.



و شما را به صبر فرمان داده، تا به پاداش الهی دست یابید. او امر به معروف را واجب نموده، تا جامعه صالح شود؛ و برای آن که از خشمش در امان بمانید، نیکی به پدر و مادر را واجب نموده است. خداوند پیوند و ارتباط با خویشاوندان را مایه‌ی طول عمر و زیادی فرزندان، قرار داده است؛ و به قصاص امر فرموده تا حرمت خون‌ها نگه داشته شود. او وفای به نذر را راهی برای رسیدن به آمرزش خود قرار داده است؛ و به رعایت انصاف و عدالت در معاملات دستور داده، تا کسی کم فروشی نکند.



وَالصَّبْرُ مَعُونَةٌ عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَ الْأَمْرَ  
بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَامَّةِ، وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةٌ  
مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةٌ فِي الْعُمْرِ وَ  
مَنْمَاءٌ لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصُ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ، وَ الْوَفَاءُ  
بِالنَّذْرِ تَغْرِيبًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةُ الْمَكَايِلِ وَ  
الْمَوَازِينِ تَغْيِيرًا لِلْبُخْسِ.

پس آن‌گونه که شایستهٔ اوست  
(خدا)، تقوا پیشه کنید. مبادا  
در حالی که مسلمان نیستید از  
دنیا بروید. درامر و نهی الهی  
از او پیروی کنید و بدانید از  
میان بندگان خدا، تنها عالمان  
(کسانی که به خدا و اولیای خدا  
معرفت دارند) از او می‌ترسند.





او شما را برای در امان ماندن از پلیدی‌ها، از شراب  
خواری نهی فرموده است.

خدا نسبت ناروا دادن به زنان پاکدامن را بر شما  
حرام کرده است تا گرفتار نفرین و لعنتش نشوید.  
او برای دوری از آلودگی، شما را از دزدی بازداشته؛  
و شرک را بر شما حرام نموده تا فقط او را پروردگار  
خود بدانید.

پس آن گونه که شایسته‌ی اوست، تقوا پیشه کنید.  
مبادا در حالی که مسلمان نیستید از دنیا بروید. در  
امر و نهی الهی از او پیروی کنید و بدانید از میان  
بندگان خدا، تنها عالمان از او می‌ترسند.



و السَّهْبِيِّ عَنِ شَرْبِ الخُمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ  
اجْتِنابَ القُدْفِ جِباباً عَنِ اللُّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ  
إِجْباباً لِلْعَفَّةِ، وَ حَرَمَ اللهُ الشَّرْكَ إِخْلاصاً لَهُ  
بِالرُّبُوبِيَّةِ، (فَاتَّقُوا اللهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لا تَمُوتُوا إِلاَّ  
وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) وَ أَطِيعُوا اللهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ  
وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ (إِنَّمَا يَخْشَى اللهُ مِنَ عِبَادِهِ  
الْعُلَمَاءُ.)

## ۵) معرفی خود و پیامبر اکرم ﷺ

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ اعْمَلُوا أُنِّي فَاطِمَةَ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْوًا، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفَعَلُ مَا أَفَعَلُ شَطَطًا. (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ)

در ادامه، حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:  
ای مردم! بدانید که من فاطمه هستم و پدرم محمد است که درود خدا بر او و خاندانش باد. دوباره می‌گویم و پیش از این هم گفته‌ام. هرگز سخن نادرستی نمی‌گویم و در کارهایم از حق فاصله نمی‌گیرم. پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید؛ به (خیر و صلاح) شما بسیار علاقه‌مند است؛ و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان می‌باشد.



فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَتَعْرِفُوهُ مَجْدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ وَأَخَا ابْنِ  
عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمِ الْمَعْزِي إِيَّهِ؛ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. فَبَلَّغِ الرِّسَالَةَ، صَادِعاً بِالنَّدَاةِ،  
مَائِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً تَبَجُّهُمُ، آخِذاً  
بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ  
الْحُسْنَى

اگر پیامبر خدا را بشناسید و نسبت او را بدانید،  
می بینید که او فقط پدر من است و هیچ یک از زنان،  
این وابستگی را با او ندارند؛ و در می یابید که او فقط  
با پسر عمویم، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برادر است. پیوند و  
وابستگی با او، چه خوب و نیکوست. درود و سلام خدا  
بر او و خاندانش باد. پدرم، رسالت الهی را انجام داد. او  
با هشدار خود به مشرکان، پیکره‌ی آنان را شکافت. از  
راه مشرکان رو بر گرداند. بزرگی و عظمتشان را در هم  
کوبید. گلوی آنان را فشرد و راه نفسشان را بست. با  
سخنان حکمت‌آمیز، و با پند و اندرز نیکو، مردم را به  
راه پروردگار خود دعوت نمود.



شما همراه با اهل بیت پیامبر  
علیهم السلام، به ذکر توحید لب گشودید؛  
همان اهل بیتی که چهره هایشان  
روشن و درخشان است و شکم  
خود را از دنیا خالی نگه می دارند.



او بتها را در هم شکست. سرهای مشرکان را از بدن هایشان جدا کرد؛ این گونه اجتماعشان شکست خورد و یارانشان گریختند. او که مانند صبح روشن بود، با روشنایی خود، تیرگی‌های شب را شکافت؛ و از گوهر ناب حقیقت، پرده برداشت. او که سرپرست و نگهبان دین بود، به سخن درآمد؛ و زبان شیطان‌ها گنگ و لال شد. منافقان پست و بی‌اصل، به نابودی کشیده شدند و پیمان‌های کفر و دشمنی از هم گسست. در نتیجه، شما همراه با اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام، به ذکر توحید لب گشودید؛ همان اهل بیتهی که چهره هایشان روشن و درخشان است و شکم خود را از دنیا خالی نگه می‌دارند.



يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَ يَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّىٰ اهْتَزَمَ الْجُمُعُ  
 وَ وَلُوا الدُّبُرَ. حَتَّىٰ تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ أَصْفَرَ  
 الْحَقُّ عَنْ مُحْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرِسَتْ  
 شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ وَ طَاحَ وَشَيْطُ النَّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ  
 عَقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فُتِنُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ  
 مِنْ الْبَيْضِ الْخَمَاصِ

شما بر لبه ی پرتگاه آتش جهنم بودید. آن قدر پراکنده و ضعیف بودید که هم‌چون نوشیدن آب، هر تجاوزگری می توانست شما را به راحتی از بین ببرد. مانند صیدی بودید که هر صیادی در شکارتان طمع می کرد. مانند شراره ای بودید که هر سودجویی می توانست از شما برای خود آتشی بیفروزد. آری، شما در نهایت ذلت و پامال قدرت ها بودید. آب گنبدیده و کثیف می آشامیدید و پوست حیوانات را می خوردید. ذلیل بودید. همه، شما را رانده بودند.

### ﴿٦﴾ توصیف دوران جاهلیت ﴿٦﴾

(وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ)، مُدَقَّةَ الشَّارِبِ،  
وَ مُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قَبَسَةَ الْعَجْلَانِ، وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ،  
تَشْرِبُونَ الطَّرِيقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَّ، أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ.

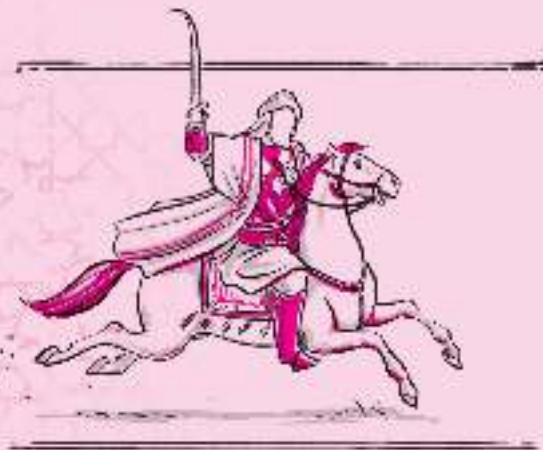


همیشه می ترسیدید که اطرافیانتان، دست تجاوز به سوی شما دراز کنند و شما را برابیند. پس از این همه خواری و پستی، خداوند بلندمرتبه، شما را به دست پدرم محمد از آن وضعیت نجات داد. درود خدا بر او و خاندانش باد. خداوند شما را به وسیله‌ی او نجات داد بعد از آن که او را به کسانی مبتلا نمود که هم چون چهارپایان در نهایت سفاهت و بی‌خردی زندگی می کردند؛ آن‌ها همان عرب‌هایی بودند که هم چون حیوانات وحشی، خُلق و خوی درندگی داشتند؛ و آن یهودیان و مسیحیانی بودند که طغیان و سرکشی می نمودند. آنان کسانی بودند که هرگاه آتش جنگ را برمی افروختند، خدا آن را خاموش می کرد.



تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ. فَأَتَقَدَّكُمُ  
اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
بَعْدَ اللَّيْتِيَا وَآلِي، وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرَّجَالِ،  
وَ دُؤْبَانِ الْعَرَبِ، وَ مَرْدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ (كَلَّمَا  
أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ)

امیر المؤمنین علی علیه السلام همان  
کسی است که در راه خدا، هر  
سختی و رنجی را به جان  
می‌خرد. او در اجرای دستور خدا،  
بسیار تلاش می‌کرد. او به رسول  
خدا صلی الله علیه و آله بسیار نزدیک بود.





آری؛ هر وقت فتنه های شیطان، چون شاخ حیوان درنده ای آشکار می شد و اژدهای مشرکان دهان خود را می گشود؛ پدرم، برادرش امیرالمؤمنین علیه السلام را در کام دشمن می افکند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز، تا آنان را لگدمال قدرت خود نمی کرد، از کارزار بر نمی گشت؛ و تا شراره ی فتنه را با شمشیر خود خاموش نمی کرد، از جنگ و پیکار دست بر نمی داشت. امیرالمؤمنین علی علیه السلام، همان کسی است که در راه خدا، هر سختی و رنجی را به جان می خرید. او در اجرای دستور خدا، بسیار تلاش می کرد.

### ﴿۷﴾ معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام

أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ، وَ فَعَزَّتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ،  
 قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا  
 بِأَخْصِيهِ، وَ يُحْمَدُ لَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ،  
 وَ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ.



او به رسول خدا نزدیک بود. او سید و سرور اولیای خدا بود. او در راه خدا، بلندهمت و برای مردم، خیرخواه بود. او برای خدا، بسیار تلاش می کرد و در راه او کوشش می نمود. هیچ کس نمی توانست با سرزنش خود او را از راه خدا منحرف کند. این در حالی بود که شما در آسایش زندگی می کردید؛ و در رفاه به سر می بردید؛ آسوده خاطر، دل خوش و عافیت طلب بودید. منتظر بودید که سختی های روزگار، بر ما هجوم آورد. و شما تنها به انتظار خبرهای آن، نشستہ بودید. هنگام جنگ، عقب نشینی می کردید و از میدان نبرد فرار می نمودید.



قَرِيباً مِنْ رَسُوْلِ اللهِ، سَيِّدَ اَوْلِيَاءِ اللهِ، مُشَمَّرًا  
نَاصِحًا، مُجِدًّا كَادِحًا، وَ اَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةِ مَنْ  
الْعَيْشِ، وَ اِدْعُوْنَ فَاِكْفُوْنَ اٰمِنُوْنَ، تَتَرَبَّصُوْنَ بِنَا  
الدَّوَابِّ، وَ تَتَوَكَّفُوْنَ الْاَخْبَارَ، وَ تَتَكَبَّرُوْنَ عِنْدَ  
السَّزَالِ، وَ تَفِرُّوْنَ عِنْدَ الْقِتَالِ

## ﴿۸﴾ شکایت از غضب امامت ﴿﴾

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ اُنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى اَصْفِيَائِهِ،  
ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ  
نَطَقَ كَاظِمُ الْعَاوِيْنَ، وَ نَبَعَ حَامِلُ الْاَقْلَيْنِ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ  
الْمُبْطِلِيْنَ فَحَطَّرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ.

خداوند سرای آخرت را برای پیامبرش برگزید. همان جایی که سرای پیامبران و جایگاه بندگان برگزیده‌ی خداست. با رفتن او، نفاق و دورویی؛ مانند بوته‌های خار، در میان شما ظاهر گشت؛ و دین، که لباسی زیبا بود، کهنه و فرسوده شد. آن گمراهانی که ساکت بودند و چیزی اظهار نمی‌کردند، یکباره به سخن آمدند؛ و کسانی که پست‌ترین انسان‌ها بودند و در گمنامی به سر می‌بردند، ناگهان آشکار شدند. اهل باطل مانند شتری که نعره می‌کشد و دم می‌جنباند، به هیاهو پرداختند و در اجتماع شما، جولان دادند.



شیطان ... شما را در برابر حق،  
برانگیخت و دید به آسانی  
برمی‌خیزید. او آتش فتنه را در  
درونتان شعله‌ور کرد و دید که  
شما در راه مخالفت با حق، به  
راحتی رضایت خدا را نادیده  
می‌گیرید.



شیطان از مخفی گاه خود سر بر آورد و شما را به طرف خود دعوت کرد. او دید شما کسانی هستید که به دعوتش پاسخ مثبت می دهید و به فریبش، چشم دوخته اید. پس شما را در برابر حق، برانگیخت و دید به آسانی برمی خیزید. او آتش فتنه را در درونتان شعله ور کرد و دید که شما در راه مخالفت با حق، به راحتی رضایت خدا را نادیده می گیرید. آن جایگاهی را که مربوط به شما نبود، به نام خود مهر زدید؛ مانند کسی که غاصبانه شتر دیگران را به نام خود می زند. و منفعت هایی را که برای دیگران بود، ظالمانه برای خود برداشتید؛ مانند کسی که غاصبانه از چشمه ی آب دیگران استفاده می کند.



وَ أَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ،  
فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مُمْلِحِينَ،  
ثُمَّ اسْتَمْتُمْضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ حَقَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ  
غَضَابًا، فَوَسَّوْكُمْ غَيْرَ إِلَيْكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ.

این ها همه درحالی بود که از عهد و پیمانتان با پیامبر، چیزی نگذشته بود؛ و داغ رحلت او همه جا را فرا گرفته بود. زخم دل های داغ دیده، هنوز التیام نیافته بود؛ و رسول خدا، هنوز به خاک سپرده نشده بود. به سرعت به دنبال نقشه های فریبکارانه خود رفتید؛ و وانمود کردید که می ترسید مسلمانان در فتنه بیفتند. پیمان شکنان بدانند، این خودشان هستند که در فتنه افتاده اند؛ آنان کافران و آتش جهنم کافران را در برمی گیرد. این رفتار از شما بعید است! چرا این گونه عمل می کنید؟ روی خود را از حقیقت برگردانده اید؛ به کجا رو کرده اید؟



هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلِمُ رَجِيبٌ، وَالْجُزْخُ لَمَّا  
يُنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ  
الْفِتْنَةِ، (أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ  
بِالْكَافِرِينَ)؛ فَبِهِاتِ مِنْكُمْ وَكَيْفَ بِكُمْ وَآئِي  
تُؤْفَكُونَ؟

این در حالی است که کتاب خدا، در میان شماسست. قرآن کتابی است که کلامش آشکار؛ و دستورش روشن است. نشانه های حقیقت در آن می درخشد. باطن قرآن سپید و روشن؛ و فرمان های آن واضح و آشکار است. اما شما به قرآن پشت کرده اید. آیا می خواهید به قرآن بی اعتنایی کنید؟ آیا می خواهید با چیزی غیر از قرآن، حقیقت را اثبات کنید؟ برای ستم کاران چه بد است که قرآن را با چیز دیگری عوض می کنند!



وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ. أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَغْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ، وَ أَوْامِرُهُ وَاصِحَةٌ. فَذَخَلْفُتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ، أَمْ بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ  
(بُنْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا)

آتش فتنه را به پا کردید و آن را  
شعله‌ور نمودید. به فریاد شیطان  
فریبکار پاسخ دادید. تصمیم  
گرفتید نورِ درخشندهٔ دینِ خدا  
را خاموش کنید؛ و سنت‌های  
پیامبر برگزیدهٔ خدا را رها نمایید.





(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ  
هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ  
أَنْ تَسْكُنَ نَفْسُهَا، وَيَسْلَسَ قِيَادُهَا؛ ثُمَّ أَخَذْتُمْ  
تُورُونَ وَقُدَّتْهَا، وَهُمْ يَجُونَ جَمْرَتَهَا، وَتَسْتَجِيبُونَ  
لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ  
الْجَلِيِّ، وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ.

هر کس غیر از اسلام دین دیگری برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از زبان کاران است. شما در ظلم و خیانت، هیچ تأخیری نکردید و اگر هم اندکی صبر نمودید، فقط به اندازه‌ای بود که پایه‌های حکومتان تشییت شود. می‌خواستید مرکب کودتا، رم نکند و افسار حکومت در دستتان قرار بگیرد. پس از این، آتش فتنه را به پا کردید و آن را شعله ور نمودید. به فریاد شیطان فریبکار پاسخ دادید. تصمیم گرفتید نور درخشنده ی دین خدا را خاموش کنید؛ و سنت های پیامبر برگزیده ی خدا را رها نمایید.



اینک نیز وانمود می‌کنید به فکر مصلحت اسلام هستید، اما در واقع هدفتان، قدرت و ریاست است و می‌خواهید با اهل بیت پیامبر، دشمنی کنید.

با اهل بیت پیامبر و فرزندان او، با فریبکاری و کینه توزی رفتار می‌کنید.

ظلم و ستمی که از شما به ما می‌رسد، مانند زخم شمشیر، دردناک؛ و مانند جراحی نیزه، جگرسوز است.

حظ و قریب

تَشْرُبُونَ حَسَوًا فِي اِزْتِعَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ  
وُلْدِهِ فِي الْخُمْرِ وَ الصَّرَاءِ، وَ يَصِيرُ مِنْكُمْ عَلَى  
مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى، وَ وَخَزِ السِّنَانِ فِي الْحُشَا.

## ﴿۹﴾ شکایت از غصب فدک ﴿﴾

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِزْتٍ لَنَا! أَلْحُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ  
تَبْعُونَ؟! وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؟  
أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟! بَلَى، تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ  
أَنِّي ابْنَيْتُهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، أَأَغْلَبُ عَلَىٰ إِزْتِي؟

اینک شما به دروغ، وانمود می کنید که ما، اهل  
بیت، از پیامبر خدا هیچ ارثی نمی بریم؟! آیا به  
دنبال احکام دوران جاهلیت می روید؟ کسانی  
که به خدا و قیامت یقین دارند، چه کسی را  
برای داوری، بهتر از خدا سراغ دارند؟ آیا واقعاً  
نمی دانید؟ چرا! می دانید. برای شما مثل خورشید  
تابان، روشن است که من دختر رسول خدایم. ای  
مسلمانان! آیا این درست است که من مظلومانه از  
ارث خود محروم شوم؟



ای ابابکر! آیا در کتاب خدا نوشته شده است که تو می‌توانی از قدرت ارث ببری ولی من نمی‌توانم؟! به‌راستی که چیز عجیب و جدیدی (از پیش خود) آورده‌ای. آیا عمداً کتاب خدا را رها کرده‌اید و آن را پشت سر انداخته‌اید؟



ای ابابکر! آیا در کتاب خدا نوشته شده است که تو می توانی از پدرت ارث ببری ولی من نمی توانم؟! به راستی که چیز عجیب و جدیدی (از پیش خود) آورده‌ای. آیا عمداً کتاب خدا را رها کرده اید و آن را پشت سر انداخته اید؟ قرآن آشکارا، می گوید پیامبران از خود ارث می گذارند. آن جا که می فرماید: «سلیمان از داوود ارث بُرد.» و در جای دیگر که داستان حضرت یحیی، پسر حضرت زکریا، را مطرح می کند، حضرت زکریا گفت: «پروردگارا! ... از جانب خود فرزندی به من ببخش؛ که هم وارث من، و هم وارث خاندان یعقوب باشد.»



يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ  
لَا ارِثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا. أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ  
كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؟ إِذْ يَقُولُ  
(وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ) وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَيْرِ  
يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ (قَالَ رَبِّ ... فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)

وَقَالَ (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ)؛ وَقَالَ (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ) وَقَالَ (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ)، وَزَعَمْتُمْ إِلَّا خُطْوَةً لِي وَ لَا أَرْتُ مِنْ أَبِي وَ لَا رَحِمَ بَيْنُنَا



قرآن آشکارا، اعلام می کند که همه می توانند ارث بگذارند و ارث ببرند: «در کتاب خدا، بعضی از خویشاوندان بر بعضی دیگر اولویت دارند.» و نیز آن جا که می فرماید: «خدا شما را در باره ی فرزندانتان سفارش می کند: سهم (ارث) پسر مانند سهم (ارث) دو دختر است» و هم چنین آن جا که می فرماید: «اگر کسی مالی از خود به جا گذاشت، برای پدر و مادر و نزدیکان، مطابق عرف وصیت کند که این شایسته پرهیزکاران است.» آیا گمان می کنید که من هیچ بهره ای نباید داشته باشم؟ آیا من از پدرم ارث نمی برم؟ شاید می گوئید من با پدرم، نسبت خویشاوندی ندارم!

أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ أُخْرِجَ أَبِي! مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ  
أَهْلُ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ  
مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِمُخْصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ  
مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ فَدُونَكهَا مَحْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ  
يَوْمَ حَشْرِكَ

آیا خدا در آیه ای از قرآن، حکمی را به طور ویژه به شما اختصاص داده و پدرم را از آن حکم محروم نموده است؟ شاید فکر می کنید من و پدرم، دو دین مختلف داریم و دو نفری که دو دین متفاوت دارند، از هم ارث نمی برند! آیا من و پدرم اهل یک دین و مذهب نیستیم؟ شاید، شما از پدرم و پسر عمویم، قرآن را بهتر می شناسید و به آیات عام و خاص آن، آگاه ترید! ای ابابکر! این حکومت ارزانیت باد. شتر حکومت را که افسارش آماده و پشتش زین شده است، سوار شو؛ تا در روز قیامت گریبان‌ت را بگیری.



آن کسانی که اهل باطل هستند،  
در قیامت ضرر می‌کنند. در آن  
روز (قیامت) اگر پشیمان شوید،  
آن پشیمانی برایتان هیچ فایده‌ای  
ندارد... به زودی می‌فهمید که  
چه کسی عذاب می‌شود، عذابی  
که رسوایش می‌کند.





فَنِعْمَ الْحُكْمَ اللَّهُ، وَ الرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَ الْمَوْعِدُ  
الْقِيَامَةَ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يُخَسِّرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا  
يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَ (لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ  
تَعَامُونَ) (مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ  
عَذَابٌ مُقِيمٌ)



به راستی، چه خوب است که خداوند داوری کند؛  
پیامبر اکرم، محمد ﷺ، ریاست نماید؛ و قیامت،  
جای محاکمه باشد. آن کسانی که اهل باطل  
هستند، در قیامت ضرر می کنند.  
در آن روز اگر پشیمان شوید، آن پشیمانی برایتان  
هیچ فایده ای ندارد. برای هر خبری جایگاهی است  
(که به آن رسیدگی می شود). به زودی می فهمید  
که چه کسی عذاب می شود، عذابی که رسوایش می  
کند، و عذابی که برای همیشه بر او وارد می شود.

## ﴿۱۰﴾ شکایت از سکوت انصار ﴿﴾

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:

يَا مَعَاشِرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَحَصَنَةَ الْإِسْلَامِ،  
مَا هَذِهِ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَالسَّنَّةُ عَنْ ظِلَامَتِي.

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ:

«الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»؟

در این هنگام حضرت زهرا (علیها السلام) به انصار، رو کردند و فرمودند:

ای سرپرستان مردم! ای یاوران دین! ای نگهبانان اسلام! این چه وضعی است که شما پدیدآورده اید؟ چرا در حق من سستی می کنید؟ چرا خوابتان برده است و در برابر ظلمی که به من می شود، چیزی نمی گوئید؟ آیا پدرم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نمی فرمود: «احترام هرکسی، با احترام گذاشتن به فرزندانش حفظ می شود»؟

حفظ کلمه

چه زود، بدعت‌ها را به پا کردید. چه باشتاب، به سوی زشتی‌ها به راه افتادید. این در حالی است که شما می‌توانید آن چیزی را که من به دنبالش هستم، انجام دهید؛ و بر اجرای خواسته‌هایم قدرت دارید. آیا با خودتان می‌گویید محمد ﷺ، از دنیا رفته است و ما دیگر وظیفه‌ای نداریم؟ آه! که رحلت او، چه مصیبت بزرگی است. با رفتن او، سستی همه جا را فراگرفت؛ اختلافات و شکاف‌ها، دهان باز کرد؛ نظم و ترتیب کارها از بین رفت؛ و همه چیز از هم گسیخته شد. به خاطر نبودن پیامبر، تاریکی زمین را فراگرفت. با رفتن او، خورشید و ماه گرفتند. از مصیبت او، ستارگان پراکنده شدند.



سَرَعَانَ مَا أَحَدْتُمْ، وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ. وَ لَكُمْ طَاقَةٌ  
بِمَا أَحَاوِلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أُطَلَبُ وَ أُزَاوِلُ. أ  
تَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؟ فَخُطِبُ  
جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَ اسْتَهْرَ فَتْقُهُ، وَ انْفَتَقَ  
رَتْقُهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَ كُسِفَتِ النُّجُومُ  
لِمُصِيبَتِهِ.

با رفتن او (درگذشت پیامبر ﷺ)  
امیدها از بین رفتند، و کوه‌ها  
به لرزه درآمدند، حُرمت الهی از  
بین رفت و احترام اهل بیت او  
پایمال شد. به خدا قسم که این  
حادثه، بزرگترین بلا؛ و شدیدترین  
مصیبت است.



با رفتن او امیدها از بین رفتند، و کوه ها به لرزه درآمدند، حُرمت الهی از بین رفت و احترام اهل بیت او پامال شد.

به خدا قسم که این حادثه، بزرگ‌ترین بلا؛ و شدیدترین مصیبت است. هیچ حادثه ای به سنگینی این حادثه نیست. هیچ بلایی به این سرعت، بر کسی وارد نشده‌است. این همان مصیبتی است که کتاب خدا، قرآن، از آن خبر داده‌بود. قرآن در هر صبح و شب این ندا را در خانه‌هایتان، فریاد می‌کرد؛ برایتان می‌خواند و به بهترین شکل تلاوت می‌نمود.

وَ أَكَدَّتِ الْأَمَالَ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالَ، وَ أُضِيعَ الْحَرِيمُ، وَ أُرِيدَتِ الْحَزْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ. فَتَلَّكَ وَ اللَّهُ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَاقِيَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ تَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ فِي مُسَاكِمٍ وَ مُصْبِحِكُمْ، هَتَافًا وَ صُرَاخًا، وَ تَلَاوَةً وَ إِحْنَانًا.



وَلَقَبَلُهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ  
وَ قَضَاءٌ حَكْمٌ: (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ  
مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى  
أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ  
شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ )

خط قرآنی

و این همان چیزی است که در گذشته نیز  
بر پیامبران و فرستادگان الهی وارد شده است. این  
فرمان قطعی خدا و تقدیر حتمی اوست و قرآن  
درباره‌ی آن می‌فرماید: «محمد، رسول خداست.  
پیش از او نیز رسولانی بوده‌اند.  
اگر او از دنیا برود یا کشته شود، شما به دوران  
جاهلیت خود بر می‌گردید؟ اگر کسی از اسلام  
روبرگرداند و به گذشته‌ی خود بازگردد، نمی‌تواند  
به خداوند ضرری برساند. و خدا به هر که شاکر  
باشد، پاداش می‌دهد.»

ای مردان بنی قبیله! آیا درست است که مرا از ارث پدرم محروم کنند و شما ساکت باشید؟ شما مرا می بینید و صدای مرا می شنوید. شما در حضور من هستید و همگی تجمع کرده اید. فریاد یاری طلبی من، به شما رسیده است و شما از آن باخبر شده اید. تعداد مردان جنگجویان زیاد است؛ ثروت و دارایی تان فراوان است؛ ادوات جنگی در اختیار دارید؛ از قدرت و توان کافی برخوردارید؛ ابزار هجوم و دفاع دارید. پس چه شده که شما را به یاری فرامی خوانم ولی پاسخ نمی دهید؟ فریاد دادخواهی مرا می شنوید ولی به یاری ام نمی آیید؟



إِيهَا بَنِي قَبِيلَةٍ أَهَضِمَ تَرَاثُ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَزَأَى مَيِّ  
وَمَسْمَعٍ، وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ، تَلْبُسُكُمْ الدَّعْوَةَ،  
وَتَشْمَلُكُمْ الْحُبْرَةُ، وَأَنْتُمْ ذَا الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ،  
وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ، وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجُنَّةُ،  
تُؤَافِكُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَتَأْتِيَكُمُ الصَّرْحَةُ  
فَلَا تُغِيثُونَ

چرا شما که پیش از این حقیقت را  
بیان می‌کردید، اکنون به آن پشت  
می‌کنید و از آن رو برمی‌گردانید؟...  
چرا شما که تا کنون در راه دین،  
پیش قدم بودید، اینک عقب‌نشسته‌اید  
و کاری نمی‌کنید؟





وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ  
الصَّلَاحِ، وَ النَّحْبَةَ الَّتِي انْتَجَبْتُمْ، وَالْحِيْرَةَ الَّتِي  
اخْتِيْرْتُمْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ  
الْكُدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ، وَ كَافَّحْتُمُ الْبِهْمَ. لَا  
نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فِتْنَاتِمُرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ  
بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ.

این در حالی است که شما به نبرد و جنگ آوری شهرت دارید؛ به انسان هایی خوب و صالح معروف شده اید. شما همان نیکان و خوبانی هستید که برای ما اهل بیت انتخاب شدید و برگزیده گشتید. شما با مشرکان عرب، جنگیدید و هرسختی و رنجی را به جان خریدید. با گروه های جنگ جو مبارزه کردید. با شجاعان و دلیران، جنگ و ستیز نمودید. شما از پیروان ما بودید. اگر از کاری دوری می کردیم، شما نیز دوری می نمودید و اگر شما را به کاری دستور می دادیم، آن را انجام می دادید. تا آن که اسلام، به دست ما، در مسیر خود به راه افتاد، و مانند آسیابی که شروع به گردش کند، به دور محور خود به حرکت آمد.



وَدَّرَ حَلْبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ تُغْرَةُ الشَّرِكِ، وَ  
سَكَنْتْ فَوْزَةُ الْإِنْفِكِ، وَ حَمَدَتْ نَيْرَانُ الْكُفْرِ،  
وَ هَدَأَتْ دَعْوَةَ الْهَرْجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ،  
فَأَنَّى حُزْنُكُمْ بَعْدَ الْبَيَّانِ وَ أَسْرَزُكُمْ بَعْدَ الْإِغْلَانِ، وَ  
نَكَضُكُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكُكُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ



رونقِ روزگار، فرارسید. هیاهوی مشرکان، آرام شد و  
بزرگی آنان، به ذلت تبدیل شد؛ و صدای دروغ‌گویان،  
ساکت شد. آتشِ کفر، خاموش گردید. جنگ و فتنه  
انگیزی، آرام گرفت و دین، سر و سامان یافت و نظم  
و ترتیب پیدا کرد. چرا شما که پیش از این حقیقت  
را بیان می کردید، اکنون به آن پشت می کنید و از  
آن رو برمی گردانید؟ چرا شما که تا به حال، حق را  
آشکار می نمودید، اکنون آن را پنهان می کنید؟ چرا  
شما که تا کنون در راه دین، پیش قدم بودید، اینک  
عقب نشسته اید و کاری نمی کنید؟ چرا از ایمان  
دست برداشته و به شرک رو آورده اید؟

در این هنگام، حضرت زهرا (علیها السلام) درباره غاصبان فرمودند:

«چه بد است حال کسانی که پیمان‌های خود با پیامبر را شکستند و در بیرون راندن رسول خدا کوشیدند. در حالی که آن‌ها بودند که بار اول (جنگ را) با شما آغاز کردند.»

سپس به انصار فرمودند: «آیا از آن‌ها می‌ترسید؟ اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید.»



بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ  
وَ هُمْ بَدَوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْتَخَشَوْهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ  
تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ )

شما را می‌بینم که به دنبال  
زندگی آرام خود هستید. آن کسی  
را که برای اداره و تدبیر کارها، از  
همه شایسته‌تر و بهتر است، رها  
کرده‌اید و او را از حق خود دور  
نموده‌اید. به گوشه‌ای رفته‌اید و  
به فکر آسایش و راحتی خودتان  
هستید.



## ﴿۱۱﴾ هشدار به مسلمانان ﴿﴾

أَلَا قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْحَفِظِ، وَ أَبْعَدْتُمْ  
مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ  
بِالدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضَّيْقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ  
مَا وَعَيْتُمْ. وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ. (فَإِنَّ  
تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَيِّ  
حَمِيدٌ)

آگاه باشید! شما را می بینم که به دنبال زندگی آرام خود هستید. آن کسی را که برای اداره و تدبیر کارها، از همه شایسته تر و بهتر است، رها کرده‌اید و او را از حق خود دور نموده‌اید. به گوشه ای رفته‌اید و به فکر آسایش و راحتی خودتان هستید. با این کاری که کردید، آرامش واقعی از زندگی هایتان رفت؛ و هرچه پذیرفته بودید، همه را رها نمودید. زندگی گوارایتان از بین می رود؛ مانند کسی که آب گوارا را از دهان خود بیرون بریزد. اگر شما و همه اهل زمین کافر شوید، به یقین خدا بی نیاز و شایسته‌ی ستایش می باشد.



أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي  
بِالْحُدُذِلَةِ الَّتِي حَامَرْتُكُمْ، وَالْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُمَهَا  
قُلُوبُكُمْ؛ وَ لِكَيْهَا فَيَضُّهُ النَّفْسِ، وَ نَفْتَهُ الْعَيْظِ،  
وَ حَوُزُ الْقَنَاقِ، وَ بَنَّةُ الصِّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ.  
فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَبِئْبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِيبَةَ الْحُفِّ،  
بَاقِيَةَ الْعَارِ.

خط و قلم

ای مردم! بدانید آن چه باید می گفتم، گفتم؛ با این که  
می دانستم حالتی شما را فرا گرفته است که به یاریم  
نمی آید و مرا رها می کنید؛ و می دانستم که دل های  
شما از مکر و فریب، پر شده است.  
با این حال، سخن گفتم؛ چون سخنم از درونم می  
جوشد. کلام من، تراوش خشم است؛ ریزش غضب  
است؛ افشای رازِ سینه است. سخن گفتم تا حجت را  
بر شما تمام کنم. بیایید و حکومت را بگیرید و بر آن  
سوار شوید! بر شتر حکومت، بنشینید. حکومتتان هم  
چون شتری است که پشتش زخمی و پایش لنگان  
است. ننگ این کار، همیشه برایتان باقی می ماند.

خداوندی که صاحب کبریا و عظمت است، بر شما غضب می کند. تا ابد این نشانِ ننگ، بر شما می ماند. « به آتش جهنّم، که خدا آن را افروخته است، خواهید رسید؛ همان آتشی که بر دل ها می افتد و زبانه می کشد.» آری، هرچه انجام می دهید در برابر دیدگان خداست، و خدا همه چیز را می بیند. « آن کسانی که ظلم کرده اند، به زودی خواهند دانست، که به کجا برمی گردند.» من دختر همان پیامبری هستم که به شما هشدار می داد و از عذاب سخت خدا می ترساند. عذاب الهی در برابر شماست. « هرچه می خواهید بکنید، ما نیز عمل می کنیم. منتظر باشید که ما هم منتظریم.»



مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّارِ، وَ سَنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً  
 بِ (نَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ . )  
 فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ ( وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا  
 أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ) وَ أَنَا آئِنَةٌ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ  
 يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ . ( فَاعْمَلُوا ... إِنَّا عَامِلُونَ وَ  
 انْتِظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ . )

ابوبکر گفت: همسر تو، علی، تنها  
برادر اوست (منظورش رسول خدا ﷺ  
بود). پدرت علی را بر تمام دوستان  
و خویشاوندان نزدیک خود برگزید  
و برتری داد؛ و علی هم پدرت را در  
هر کار بزرگ و مهمتی یاری کرد.





استناد ابوبکر به حدیثی دروغین در پاسخ به

حضرت زهرا علیها السلام



فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ وَ فَقَالَ:

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

عَطُوفًا كَرِيمًا، رَءُوفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا

أَلِيمًا، وَعِقَابًا عَظِيمًا. فَإِنْ عَزَوْتَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ

النِّسَاءِ، وَأَحَا لِيُعْلِكَ دُونَ الْأَخِلَاءِ

ابوبکر برخاست و در جواب حضرت زهرا علیها السلام گفت:  
ای دختر رسول خدا! پدر تو، نسبت به  
مؤمنان دل سوز و بخشنده بود؛ با آن  
ها با مهربانی و خوبی رفتار می کرد؛ و از  
خطاهایشان می گذشت. پدرت، نسبت به  
کافران عذابی دردآور و کیفری بزرگ و  
سنگین بود. در نسل او، تو تنها فرزند او  
هستی و همسر تو، علی، تنها برادر اوست.



آثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَسِيمٍ، وَ سَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ،  
لَا يُجْبِكُمْ إِلَّا كُلُّ سَعِيدٍ، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا كُلُّ  
شَقِيٍّ، فَأَنْتُمْ عِثْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، وَ الْحَيْرَةُ  
الْمُنْتَجَبُونَ، عَلَى الْحَيْرِ أَدَلُّنَا، وَ إِلَى الْجَنَّةِ  
مَسَالِكُنَا وَ أَنْتِ يَا حَيْرَةَ النِّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ  
الْأَنْبِيَاءِ صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفُورِ عَقْلِكَ.

خط قرمز

پدرت، علی را بر تمام دوستان و خویشاوندان  
نزدیک خود برگزید و برتری داد. و علی هم پدرت  
را در هر کار بزرگ و مهمی یاری کرد. فقط کسانی  
که سعادت‌مند هستند، شما را دوست دارند و تنها  
اهل شقاوت و بدبختی با شما دشمنی می‌کنند.  
شما خاندان پاک پیامبر خدا هستید. پیامبر خدا  
شما را برگزیده و برتری داده‌است. شما ما را به  
خوبی‌ها راهنمایی می‌کنید.  
شما راهی هستید که ما را به بهشت می‌رسانید.  
ای برترین بانو! ای دختر بهترین پیامبر! تو راست  
گو هستی و عقل و خردت از همه بیشتر است.

غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٍ عَنْ  
 صِدْقِكَ، وَ وَاللَّهِ مَا عَدَوْتُ رَأْيِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ  
 لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ إِنَّ الرَّائِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ.  
 إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيداً، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ  
 اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ  
 ذَهَباً وَ لَا فِضَّةً وَ لَا دَاراً وَ لَا عَقَاراً، وَ إِنَّمَا نُورَثُ  
 الْكُتُبَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النَّبُوَّةَ؛

من نمی‌خواهم تو را از حَقّت محروم کنم. من به تو  
 نسبت دروغ‌گویی نمی‌دهم. به خدا قسم، من رأی و  
 نظر پیامبر را زیر پا نگذاشتم و هرچه کرده‌ام مطابق  
 با دستور و فرمان او بوده است. کسی که نماینده و  
 پیشوای مردم است، به مردم دروغ نمی‌گوید. خدا  
 شاهد است و او برای شهادت دادن کافی است؛  
 من او را شاهد می‌گیرم که از رسول خدا شنیدم:  
 «ما، پیامبران، طلا و نقره و خانه و زمین به ارث  
 نمی‌گذاریم. تنها چیزی که به ارث می‌گذاریم،  
 کتاب‌های آسمانی، حکمت، دانش و پیامبری است.



ابوبکر ادامه داد: من نمی‌خواهم  
تو را از حقت محروم کنم... من  
او (خدا) را شاهد می‌گیرم که از  
رسول خدا شنیدم: «ما پیامبران،  
طلا و نقره و خانه و زمین به ارث  
نمی‌گذاریم. اموالی که از ما باقی  
می‌ماند، برای کسی است که بعد  
از ما حکومت را در دست می‌گیرد...»



وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَؤَلِيَّ الْأَمْرِ بَعْدَنَا  
 أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ» وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ  
 فِي الْكُرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهِ الْمُسْلِمُونَ وَ  
 يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَيُجَالِدُونَ الْمَرَدَّةَ الْفُجَّارَ، وَ  
 ذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَتَفَرِّدْ بِهِ وَحْدِي،  
 وَ لَمْ أُسْتَبَدَّ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ فِيهِ عِنْدِي،

اموالی که از ما باقی می ماند، برای کسی است که  
 بعد از ما حکومت را در دست می گیرد؛ و او می تواند  
 هر طور که خواست، در مورد آن ها تصمیم بگیرد.»  
 ما اموالی را که از تو گرفتیم و اکنون تو سعی و  
 تلاش می کنی از ما پس بگیری، برای خرید اسب و  
 اسلحه مصرف کردیم. آن اسب و سلاح برای این  
 است که مسلمانان بتوانند با دشمنان روبرو شوند،  
 با کافران بجنگند و بر ستمگران سرکش شمشیر  
 بکشند. این کار با نظر همه ی مسلمانان انجام شد.  
 من، آن را به تنهایی انجام ندادم. این کار در اختیار  
 من بود، اما، خودسرانه به آن اقدام نکردم.



رفتار و روش مرا دیدی. این هم اموالی که در اختیار من است. همه‌ی آن‌ها را به تو می‌دهم و از تو پس نمی‌گیرم. آن‌ها را برای دیگران پس‌انداز نمی‌کنم. شکی نیست که تو سرور همه‌ی مسلمانان هستی. تو برای فرزندان، مادری پاک و با فضیلتی. ما نمی‌خواهیم برتری‌های تو را انکار کنیم. نمی‌خواهیم مقام والای پدران و فرزندان را پایین بیاوریم. در مورد اموالی که در اختیار من است، هر چه تو دستور بدهی، اجرا می‌شود. اما آیا تو می‌خواهی من با پدرت مخالفت کنم و در مورد این اموال، از فرمان او سرپیچی کنم؟

وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي؛ هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ  
لَا تُزَوِي عَنْكَ وَ لَا نَدْخُرُ دُونَكَ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةٌ  
أُمَّةٍ أَبِيكَ، وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَا يُدْفَعُ  
مَا لَكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوَضَّعُ مِنْ فَرْعِكَ وَ  
أَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ؛ فَهَلْ  
تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَلِكَ أَبَاكَ ﷺ



## ﴿ ۱۲ ﴾ پاسخ حضرت زهرا علیها السلام به ابوبکر رضی الله عنه

فَقَالَتْ علیها السلام :

سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ عَنِ كِتَابِ اللَّهِ صَارِفًا، وَلَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا،  
بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَيَقْفُو سُورَهُ. أَفَتَجْمَعُونَ إِلَيَّ  
الْغُدْرَ اغْتِيلاً عَلَيْهِ بِالزُّورِ؟

حضرت زهرا علیها السلام در جواب او فرمودند:  
سبحان الله! چه عجیب! پدرم، رسول خدا صلی الله علیه و آله،  
هیچ گاه از آیات قرآن بر نمی گشت و با فرمان  
کتاب خدا، مخالفت نمی کرد. او همیشه در راه  
قرآن قدم می گذاشت و از سوره های قرآن  
پیروی می کرد. آیا بایکدیگر همدستی می کنید  
تا پیامبر خدا را به گناهی که انجام نداده متهم  
کنید؟ آیا با مکر و حيله، و با دروغ و تهمت، او  
را متهم می کنید؟



حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ او  
فرمودند: اینک که او (پیامبر)  
نیست به او تهمت می‌زنید... این  
کتاب خداست که به عنوان داور،  
در میان ماست... خداوند مسئله  
ارث اموات را به روشنی بیان کرده  
است تا گمانه زنی‌ها و اشتباهات  
را از بین ببرد.





رفتار امروزتان شبیه کارهای دیروزتان است. اینک که او نیست به او تهمت می زنید و وقتی که بود، برایش فتنه و بلا به پا می کردید. این کتاب خداست که به عنوان داور، در میان ماست؛ داوری است عادل، و سخن گویی است که کلامش حق و باطل را از هم جدا می کند. قرآن می فرماید: «(حضرت زکریا دعا کرد و گفت: خدایا به من فرزندی بده که) از من و از آل یعقوب ارث ببرد.» و هم چنین می فرماید: «سلیمان از داوود ارث ببرد.» پس خدای عزوجل، بیان کرده است که سهم عادلانه ی هرکسی در تقسیم اموال، چه قدر است. او روشن نموده که مقدار ارث و مقدار حقوق واجب، هر کدام باید به چه اندازه باشد.



وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهُ بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكْمًا عَدْلًا، وَ نَاطِقًا فَضْلًا. يَقُولُ (بِرُّنِّي وَ يَرِّثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ)، (وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ). فَبَيَّنَ عَزَّوَجَلَّ فِيْمَا وُزِعَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ.

خداوند، آشکارا سهم ارث مردان و زنان را اعلام کرده است؛ تا به وسیله ی آن، اهلِ باطل را پراکنده کند و سخنان آنان را که بیماردل هستند، دور نماید. خداوند، مسأله ی ارثِ اموات را به روشنی بیان کرده است تا گمانه زنی ها و اشتباهات را از بین ببرد. نه، این گونه نیست! «شما از گمراهی خود، دست برنمی دارید. نفس شما برایتان کار زشت را آراسته کرده است. اکنون باید صبری نیکو (پیشه کنم). از خدا می خواهم تا مرا (برای صبرکردن) در آن چه توصیف می کنید یاری دهد.»

وَأَبَاحَ مِنْ حِطِّ الذُّكْرَانِ وَالْإِنَاثِ مَا أَرَاكَ عِلَّةَ  
الْمُبْطِلِينَ، وَأَزَالَ التَّظَنِّيَّ وَالشُّبُهَاتِ فِي الْغَائِبِينَ؛  
كَلَّا (بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ  
اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ.)

پاسخ دوم ابوبکر به حضرت زهرا علیها السلام

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ:

صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ، أَنْتِ  
مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ  
رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ،

دوباره ابوبکر برخاست و در جواب حضرت  
زهرا علیها السلام گفت:

خدا و پیامبر خدا راست می گویند. دختر پیامبر  
هم راست می گوید. تو معدن دانش و حکمت  
هستی. هدایت، مهربانی و بخشندگی در وجود  
تو جا گرفته است. دین خدا بر تو استوار و  
پایدار است. تو حقیقت دلیل و برهان هستی.



ای مسلمانان! چرا در آیات قرآن  
تفکر نمی‌کنید؟ مگر بر دل‌هایتان  
قفل زده‌اند؟ نه، این چنین نیست!  
واقعیت این است که دل‌های شما  
بر اثر اعمال بدی که انجام داده‌اید  
زنگار گرفته است. عاقبت آن کارها  
این است که خدا چشم و گوشتان  
را از شما گرفته است (بی‌توجه  
به حق شده‌اید).



لَا أُبْعِدُ صَوَابِكَ، وَلَا أَنْكِرُ خِطَابِكَ، هَؤُلَاءِ  
الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنِكَ. قَلَّدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ  
بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَحَدْتُ مَا أَحَدْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا  
مُسْتَبِدٍّ وَلَا مُسْتَأْتِرٍ، وَهُمْ بِدَلِكِ شُهُودٌ.

من راستی و درستی تو را انکار نمی‌نمایم و  
سخنانت را رد نمی‌کنم. بگذار این مسلمانان،  
بین من و تو داوری کنند.  
آن‌ها بودند که حکومت را به من سپردند و من  
هم با رأی و نظر آنان، زمام کار را به عهده گرفتم.  
این مردم شاهدند که من این کار را خودسرانه  
و با زورگویی انجام ندادم؛ و قصد من از گرفتن  
فدک این نبود که دیگران را بر تو ترجیح بدهم.



با شنیدن آن سخنان، حضرت زهرا (ع) را مردم را مورد خطاب قرار دادند و فرمودند:  
ای مسلمانان! با شمایم! شما که شتابان به سخنان باطل رو آورده اید! شما که چشم خود را بر این رفتار زشت و زیانبار بسته اید! چرا در آیات قرآن تفکر نمی کنید؟ مگر بر دل‌هایتان قفل زده اند؟ نه، این چنین نیست! واقعیت این است که دل‌های شما بر اثر اعمال بدی که انجام داده اید، زنگار گرفته است.

### ﴿۱۳﴾ هشدار به مسلمانان ﴿﴾

فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ (ع) النَّاسَ وَقَالَتْ:

مَعَايِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ،  
الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ! أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ  
الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟ (كَلَّا بَلْ، زَانَ عَلَى  
قُلُوبِكُمْ) مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ؛



عاقبت آن کارها این است که خدا چشم و گوشتان را از شما گرفته است. آه! که شما چه بد سخنی را از پیش خود ساخته اید! آه! که شما چه بد کسی را معرفی کرده اید! آه! که شما چه شرّ بزرگی را با خوبی ها عوض کردید. به خدا قسم، سنگینی باری را که بر دوش گرفته اید، قطعاً احساس خواهید کرد و عاقبت سخت و ناگوار کارتان را خواهید دید. وقتی جزای کار خود را می بینید که مرگتان فرابرسد؛ و پرده های غفلت از برابر چشمانتان کنار برود؛ در آن هنگام است که با حرارت آتش جهنّم، سختی ها برایتان آشکار می گردد؛ و آن عذابی را که گمان نمی کردید، از طرف پروردگارتان ظاهر می شود. «آن جاست که اهل باطل، ضرر می کنند.»



فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْتُلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ اغْتَصَبْتُمْ. لَتَجِدَنَّ وَ اللّٰهُ مُحْمَلَةٌ ثَقِيلاً، وَ غِيْبَةٌ وَبِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ بِأَوْرَائِهِ الصَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ (وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ)

(ای پیامبر) وقتی از دنیا رفتید...  
بعضی از افرادی که در دل به ما  
کینه داشتند، دشمنی‌های خود را  
آشکار کردند... به ما اهانت نمودند  
و ما را خوار شمردند. اکنون زمین  
برای ما تنگ شده است. (شرایط  
برای ما بسیار سخت و دشوار  
گردیده است.)





## ﴿۱۴﴾ درد دل با پیامبر ﷺ ﴿۱۴﴾

ثُمَّ عَطَفْتُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَتْ:  
قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ

لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثُرِ الْخَطْبُ  
إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَإِبِلَهَا  
وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَلَا تَغِبْ

سپس آن حضرت رو به مزار پیامبر ﷺ کردند و با دلی پر درد این چنین شکوه نمودند: ای پدر! پس از شما حوادث بزرگ و سختی به وجود آمد که اگر بودید، آن مصیبت ها این قدر زیاد نمی شد. ما، اهل بیت، با از دست دادن شما مانند زمین خشک و بی باران شده ایم؛ مسلمانان با رفتن شما به تباهی کشیده شده اند؛ به آنان بنگرید و چشم از آن ها برندارید.



وَكُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبَىٰ وَ مَنْزِلَةٌ  
عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَذْنَيْنِ مُقْتَرَبٌ  
أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ  
لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ  
تَجْهَمُنَّا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا  
لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مُنْتَصَبٌ

هرخاندانی که در پیش‌گاه خدا قرب و منزلتی دارد، نزد بیگانگان هم محترم است. (به جز خاندان شما که حرمتشان شکسته شد.)  
وقتی از دنیا رفتید و توده های خاک، میان ما و شما فاصله انداخت، بعضی از افرادی که در دل به ما کینه داشتند، دشمنی های خود را آشکار کردند. پس از آن که شما را از دست دادیم، بعضی از مردم به زشتی با ما رفتار نمودند. به ما اهانت نمودند و ما را خوار شمردند. اکنون زمین برای ما تنگ شده است.

حرف اول

ای پدر! شما مانند ماه تابان و پرنور بودی. همه از نور شما روشن می شدند، از طرف خدای عزیز، بر شما کتاب خدا نازل می شد.

جبرئیل به وسیله ی آیات قرآن، به گرمی و مهربانی با ما هم صحبت می شد. اکنون که شما را از دست داده ایم، همه ی خوبی ها از ما پنهان شده است.

ای کاش پیش از آن که شما از دنیا بروید و انبوهی از خاک، میان ما و شما فاصله بیندازد؛ مرگ به سراغ ما آمده بود.



وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ

عَلَيْكَ تَنْزِيلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا

فَقَدْ فُقِدْتَ فَكُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبٌ

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادَفَنَا

لَمَّا مَضَيْتَ وَحَالَثَ دُونَكَ الْكُتُبُ



## مسابقه فرهنگی خطبه فدکیه

### توضیحات شرکت در مسابقه

\* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.  
\* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد چهاررقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: خطبه فدکیه ۱۳۴۲ محمد عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان

قدس رضوی: به نشانی:

[www.razavi.aqr.ir](http://www.razavi.aqr.ir)

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

\* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

\* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

\* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.  
تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۳۲۰۰۲۵۶۹-۵۱



## پرسش‌ها

**پرسش اول.** حضرت زهرا علیها السلام در ابتدای خطبه فدکیه و در مبحث خداشناسی، مردم را به چه امری دعوت کردند؟

۱. شناخت اهل بیت علیهم السلام
۲. شکرگزاری نعمت‌های خداوند
۳. کمک به نیازمندان
۴. دعوت به جهاد و مبارزه

**پرسش دوم.** طبق فرمایشات حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه، خداوند حج را برای چه واجب کرده است؟

۱. افزایش رزق و روزی
۲. ایجاد صمیمیت و همدلی
۳. تقویت پایه‌های دین
۴. دوری از تکبر

**پرسش سوم.** حضرت زهرا علیها السلام هدف غاصبان خلافت را چه دانسته‌اند؟

۱. مصلحت اسلام
۲. قدرت و ریاست
۳. دشمنی با اهل بیت پیامبر علیهم السلام
۴. گزینه ۲ و ۳

**پرسش چهارم.** بعد از سخنان حضرت زهرا علیها السلام درباره غضب فدک، پاسخ ابوبکر چه بود؟

۱. حدود فدک را مشخص کن تا آن را بازگردانم
۲. کسی حق ندارد تو را از اموالت منع کند
۳. بگذار مسلمانان، بین من و تو داوری کنند
۴. گزینه ۱ و ۲





## پست جو اوب قبول



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....